

متن سخنرانی حجت الاسلام سید محمود دعایی در فراخوان جایزه دکتر باستانی پاریزی در دانشگاه آزاد اسلامی کرمان

اعتبار عبایم تقدیم باستانی پاریزی

اشاره: حجت الاسلام سید محمود دعایی؛ مدیر مسئول روزنامه‌ی اطلاعات روز پنجشنبه مورخ سوم دی ماه مقارن با سالروز تولد زنده یاد باستانی پاریزی در مراسم فراخوان "جایزه جهانی باستانی پاریزی" در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان حضور یافت و به همین مناسبت به ایراد سخنرانی پرداخت. یک سخنرانی سرشار از مهر به استاد؛ این روحانی فرهنگ دوست تا حدی به زنده‌یاد باستانی پاریزی محبت دارد که به گفته خود در حاشیه مراسم مذکور و در پاسخ به دل‌نگرانی فرزند استاد فقید؛ می‌گوید حاضر است تا اعتبار عبایش را تقدیم آن استاد فقید کند. به هر روی آنچه در ادامه می‌خوانید متن سخنرانی سید محمود دعایی در محل دانشگاه آزاد اسلامی است که به جایگاه ویژه باستانی پاریزی و محبوبیت او اشاره دارد. از سال‌ها مصاحبت با استاد می‌گوید و رمز ماندگاری او را واکاوی می‌کند و بعضی از سجایای آن مورخ ادیب را بازگو می‌کند.

کمتر محقق می‌تواند او قدر دید

کمتر نویسنده و محقق و استادی در زمان حیات و مماتش این گونه مورد توجه و احترام و علاقه خاص و عام ایرانیان بوده که مرحوم دکتر باستانی پاریزی بود. گواهی چاپ‌های متعدد کتاب‌هایش در زمان خود استاد و تکریم و حرمتی که در دانشگاه و بیرون از دانشگاه برایش قابل بودند و هر جا می‌رفت، قدر می‌دید و با صدر می‌نشست و پس از عروجش نیز علاوه بر تشییع پرشکوه در ایام تعطیلی عید نوروز و پس از آن برگزاری مراسم متعدد یادبود و مطالب و سخنرانی‌های متنوعی که افراد مختلف در بزرگداشت او نوشتند یا ایراد کردند. امروز که شما دوستان دو سال پس از فقدان استاد، در این محفل باشکوه گرد آمده‌اید و نام و یادش را گرمی داشته‌اید.

راز محبوبیت دکتر باستانی پاریزی چه بود؟

رمز محبوبیت دکتر باستانی و ماندگاری او در ذهن و زبان مردم چیست؟ دانش فراوان او؟ سال‌های ممتد تدریسش؟ کتاب‌های جذاب و متنوعی که نوشته؟ خیرات و مبراتی که می‌کرده؟ فرزندان صالح و دانشور و شاگردان بسیاری که تربیت کرده؟ حضور طولانی مدتی که در عرصه مطبوعات داشته؟ آیا مطالب خاصی نوشته که از چشم دیگران دور مانده؟ زاویه دیدی که به تاریخ، انسان، اسلام، ایران و به‌ویژه کرمان داشته؟ معنویتهای نهانی که به نوعی در آثارش وجود دارد و به قول خودش همواره در تاریخ دنبال جای پای خدا می‌گشته؟ طنزی زیرپوستی که در جای جای مطالبش به چشم می‌خورد؟ استفاده مناسب و به‌جا و مکرری که از شعر می‌کرده و مردم شعر دوست ما نیز از آن خوششان می‌آمده؟ بی‌پندگی که میان تاریخ و ادبیات از یک سو و تاریخ و حکمت برقرار می‌کرده؟ نثر داستان‌وار و روایت‌گونه‌اش خواننده را در پی خود می‌کشاند؟ انسان دوستی و مهر و محبتی که داشته و ادب و احترامی که برای همه قائل بوده؟ یا نه، جزمیتی در کارش نبود و تعصبی نداشت و همین به انصاف در کارهایش می‌انجامید و حرفش را پذیرفتنی و یا دست کم قابل تامل و درنگ می‌کرد؟

نگاهی به فیلم من دیده‌گو مارادونا هستیم

غرق در دنیای جنون



متن دیده‌گو مارادونا هشتم

جنون آمیز خود هستند. مکان وقایع فیلم نیز با معلوم است از این جهت که در لحظات پایانی فیلم تازه متوجه می‌شویم که یک فضا را به شقایق نشان می‌دهد، روند یک نفس و بی مکت فیلم است که دمی برای مخاطب، جای استراحت نمی‌گذارد. حرکت فیلم تیز و پر حرارت است و بازیگران به خوبی در کت و معز نقش خود فرو رفتند. دیوانگانی در این فیلم با بازی سایر ابر و بابک حمیدیان حضور دارند، می‌تواند طعن‌آمیز باشد برای اینکه تفاوت چندانی بین آدم‌های به ظاهر سالم فیلم با آنها نیست و همگی غرق دنیای



گرمی گفتار و کردارش چه؟ استفاده از اصطلاحات محلی و اشعار گمنامانی که کمتر به گوش کسی رسیده، به سخنش رنگ و بوی تازگی می‌بخشد و مخاطب را جذب می‌کند؟

بسیاری را به مطالعه واداشت

آری. این همه هست و هر یک از این موارد بخشی از اهمیت و محبوبیت او را رقم می‌زد؛ اما آیا او در همین‌ها خلاصه می‌شد. در زمانی که با گریز نسبتاً عمومی از کتاب و کتابخوانی مواجهیم، او بسیاری را به مطالعه واداشت. در این دو سال بارها شنیدیم که استاد باستانی پاریزی بسیاری را با تاریخ و کتاب‌های تاریخی آشتی داد و آنها را به خواندن و تامل در متون تاریخی واداشت. اما دیگرانی هم بودند که چنین کردند، اما نماندند و دکتر باستانی ماند و خواهد ماند، چرا؟

دنبال جای پا خدا در تاریخ

اگر به قول خود ایشان «دنبال جای پای خدا بگردیم» تا رمز محبوبیت و مقبولیت و ماندگاری او را بیابیم، با خیالی راحت می‌گوییم: به فرموده قرآن کریم: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ونا: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خدای

مهربان مهرشان را در دل دیگران می‌اندازد.» اینکه چرا خداوند در اینجا از میان اسما و صفات متعدد خودش، لفظ «رحمان» را برگزیده، باشد طلبتان و از حضرات علمای حاضر در جلسه یا بیرون از جلسه بی‌رسید. تاکید من بر بخش نخست آیه است: ایمان و عمل صالح. باز اینکه ایمان چیست و چگونه به دست می‌آید و می‌ماند و می‌باید و می‌باید و افزایش می‌یابد و انواع و اقسامش چیست و چگونه باید هر روز آن را نو کرد و ایمان مکرر آورد که فرمود: «یا ایها الذین آمنوا، آمنوا»، این هم باشد طلبتان و بریود از همان علمای بزرگوار بی‌رسید. مقصود من در اینجا همان برداشت کلی و بسطی است که همگی از این مفهوم دینی داریم. پس ناچار برویم سراغ «عمل صالح» و درست‌ترش به تعبیر قرآن مجید: «عملوا الصالحات»، کارهای شایسته.

حاجت به گفتن نیست که یک بخش از کارهای شایسته و اعمال صالحه، قیاض دینی است که کم و بیش در زمان‌های مختلف، یسکان است و مواردی چون نماز و روزه و حج و زکات و خمس و جهاد را در بر می‌گیرد و مواردی نیز هست که بستگی

به زمان و مکان و موقعیت دارد و تشخیص آن علم و هنر و توفیق می‌خواهد من فکر می‌کنم مرحوم دکتر باستانی پاریزی در این زمینه کامیاب بود. کسی در جایگاه استادی مهم‌ترین دانشگاه کشور، یک عمل صالحش تدریس شایسته و تربیت درست و بایسته دانشجویان است؛ اما فقط همین نیست اگر دید دانشجویی مشکل دارد و او می‌تواند در رفعش بکوشد، خودداری نکند. اینجاست موردی را باید از شاگردان استاد بخواهیم موردی را از استاد دستگیری کرده (چه از لحاظ علمی و چه از لحاظ مادی و مالی) برایشان بگوییم. بگویند که استاد برای اینکه هم پولی به آنها رسانده باشد و هم عزت نفسشان را حفظ کرده باشد، در آوردن نمایه‌ی کتاب‌های بسیارش را به آنها می‌سپرد و بی هیچ منتی زیر بالشان را می‌گرفت. در مقام استادی که آبرویی اندوخته، در زمانی که ممکن است خودش نیز با مخاطراتی مواجه شود، همین که می‌بیند به همکاری بی‌مهری شده و مثلا ناشر را بریده‌اند و یا ناشر را آلوده‌اند، دست به قلم شود و متفقانه و گاه نیز طنزانه و در مواردی به قول حافظ شیرین سخن با «لطف به انواع عتاب آلوده»، تذکر دهد و نقد کند.

مقابله با فراموشی

باز هم از مصادیق عمل صالح بگویم؛ یک تک یا بروید آن ورتر و به محبوب و مرادم پهلوان عطا (عطا خان، آقای عطا احمدی) بنگرید که هم معلمی می‌کند، هم به فقرا می‌رسد، هم مدرسه می‌سازد، هم راهسازی می‌کند، هم سرای سالمندان برپا می‌کند، هم از استمدیدگان دفاع می‌کند، هم نان می‌رساند، هم نام از یاد رفتگانی چون مدیر زردشتی‌اش را زنده می‌کند، هم ستمگران را رسوا می‌کند. استاد باستانی پاریزی در مقام نویسندگی، یک عمل صالحش این است که کسانی چون او را معرفی کند، نگذارد گرد فراموشی آنها را از اذهان ببرد. به کتاب‌هایش نگاه کنید و ببینید چطور از کسانی یاد کرده که در کمتر کتابی می‌شود نام و خاطرشان را دید. سلسله مطالبی در همین سال‌های پایانی از او در روزنامه اطلاعات چاپ گردید زیر عنوان «صد سال فراموشی».

چه کسانی را یافت که به جرم آزادیخواهی در بند شدند و کسی نامشان را به خاطر نسپرد. در آخرین مقاله‌ای هم که از او چاپ کردیم (برف شیره سیاست)، حرف را کشاند به آنجا که من در همه این سال‌ها چیزی درباری بناها و معماران کرمانی ننوشته‌ام و از قصد سخن را به اینجا رسانده‌ام که حق آنها را ادا کنم. و آنوقت شروع کرد به نام بردن از کارها و ابزار و وسایل و اصطلاحات آنها.

شرح کرمان مظلوم

یک مصادیق دیگر عمل صالح او در مقام یک کرمانی، شرح و تحلیل وقایعی است که بر این دیار کریمان و مظلومان رفته است. الحق کدام کرمانی در طول تاریخ بوده که با نام و آوازه‌ای در اندازه دکتر باستانی، به ریز و درشت مسائل کرمان پرداخته‌باشد؟ از کدام شهر و روستای کرمان نگفت؟ از کدام نیکبام کرمانی یاد نکرد؟ چقدر از اصطلاحات و ریزه‌کاری‌های زبانی و آیین کرمانی‌ها با نوشتن او حفظ شده‌است؟ از

یاد نبریم که کرمان برای او فقط یک خاک و خاطره نیست، نمادی از ایران و تاریخ پر فراز و نشیب اوست و یک عمل صالح دیگر او در مقام یک مورخ درآشنا، این است که نشان داد تاریخ تنها بازگویی وقایع مرتبط با شاهان و حاکمان نیست. تاریخ بر استخوان مردم بنا شده و ملاطش خون بی‌گناهان بوده است؛ اما متأسفانه بخش عظیمی از تاریخ معروف ما شرح این است که فلان شاه چه کرد و فلان شاهزاده چرا خندید و فلان وزیر چه مطلب خنده‌داری در آن روز گفت تا خاطر ملوکانه غرق شادمانی شود! به قول اخوان ثالث: «این دبیر گنج و گول و گوردل، تاریخ، تا مذهب دفترش را گاه گه می‌خواست، با پریشان سرگذشتی از نیاکانم بی‌بالاید، / رشه می‌افزادش اندر دست؛ در بنان دُرفشانش کلک شیرین‌سبک می‌ریزید؛ / جبرش اندر محجر پُر لیفه چون سنگ سینه می‌بست؛ / زانکه فریاد امیر عادلی چون رعد برمی‌خاست؛ / هان کجایی. ای عمومی مهربان! بنویس/ ماه نو را دوش ما، با چاکران، در نیمه‌شب دیدیم! / مادیان سرخ یال ما سه کزت تا سحر زاید؛ / در کدامین عهد بوده‌ست این چنین، یا آن چنان؟ بنویس!» باستانی در مقام تاریخ‌نگار، از مردم و با مردم و برای مردم نوشت.

نگ دهنای بودن را زود

عمل صالح دیگر او در مقام یک روستازاده این بود که ننگ دهنای بودن را از ذهن و زبان تحصیل‌کردگان زدود، اولاً با پسوند «پاریزی» که هیچ‌گاه از خود برنداشت، ثانیاً با آن عصایی که از چوب درختی از پاریز به دست می‌گرفت تا هم فراموش نکند که از کجا برخاسته و هم جار بزند که روستایی است و نمی‌خواهد عصای اینوس و منبت‌کاری شده دست بگیرد و از همه مهم‌تر پس از نوشتن «نان جو و دوغ گو»، روستازادگان دانشمند است که کسانی چون او را معرفی کند، نگذارد گرد فراموشی آنها را از اذهان ببرد. به کتاب‌هایش نگاه کنید و ببینید چطور از کسانی یاد کرده که در کمتر کتابی می‌شود نام و خاطرشان را دید. سلسله مطالبی در همین سال‌های پایانی از او در روزنامه اطلاعات چاپ گردید زیر عنوان «صد سال فراموشی».

چرا کسی را یافت که به جرم آزادیخواهی در بند شدند و کسی نامشان را به خاطر نسپرد. در آخرین مقاله‌ای هم که از او چاپ کردیم (برف شیره سیاست)، حرف را کشاند به آنجا که من در همه این سال‌ها چیزی درباری بناها و معماران کرمانی ننوشته‌ام و از قصد سخن را به اینجا رسانده‌ام که حق آنها را ادا کنم. و آنوقت شروع کرد به نام بردن از کارها و ابزار و وسایل و اصطلاحات آنها.

سید محمود دعایی در پایان سخنرانی خود یک قصیده از زنده یاد باستانی پاریزی را با مطلع "رسم دنیا جمله تکرار است اندر کارها / تا چه زاید عاقبت زین رسم و این تکرارها؟" می‌خواند که به دلیل محدودیت فضا از چاپ آن معذوریم و دوستداران این قصیده را به کتاب‌های زنده‌یاد باستانی پاریزی ارجاع می‌دهیم.

دو داستان نویس کرمانی در میان منتخبین دو جایزه داستان نویسی ملی قرار گرفتند

داستان کرمان در دو سالانه نارنج و جایزه بهرام صادقی

داستان برگزیده از میان این چهل داستان را اعلام خواهند نمود. و در نهایت سه اثر برگزیده در مرحله نهایی انتخاب خواهند شد. گفتنی است حسین پاینده و حسین نثارپور نیز به جمع داوران نهایی جایزه بهرام صادقی خواهند پیوست.



متن دیده‌گو مارادونا هشتم

شایسته‌ی تقدیر شد و مجتبی شول افشارزاده (نویسنده‌ی جوان کرمانی‌ال‌اصل که اکنون ساکن تهران است) از داوران دوسالانه نارنج، حسن محمودی، غلامحسین دهقان و عباس عبدی لوح تقدیر گرفت.

همچنین دیگر نویسنده کرمانی مصطفی شمس الدینی نولست در کنار سی و نه داستان نویس دیگر از سراسر کشور به مرحله دوم جایزه بهرام صادقی راه یابد گفتنی است داوران مرحله نخست جایزه ادبی بهرام صادقی؛ فرشته احمدی، محمدحسن شهسواری و رضا شکرالطی، از میان ۹۰۱ داستان رسیده به دبیرخانه‌ی جایزه، این چهل داستان را برگزیدند و در مرحله بعد نام ۲۰

گروه فرهنگ و هنر - گروه فرهنگ و هنر - هفته‌ای که گذشت دو تن از داستان نویسان کرمانی توانستند در دو میدان رقابتی داستان نویسی خوش بدرخشند. داستان با عنوان "گره‌های شمر" در دوسالانه داستان کوتاه نارنج که در استان فارس برگزار می‌شود، از میان ۱۳۱۲ داستان در کنار ۴ اثر دیگر

دی ماه جاری، معاونت فرهنگی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان در جمع شورای مشورتی شعر برگزار شود با دو هفته تاخیر در تاریخ ۲۹ و ۳۰ همین ماه برگزار خواهد شد. روز پنجشنبه مورخ سوم



متن دیده‌گو مارادونا هشتم

گروه فرهنگ و هنر - جشنواره شعر آزاد استان کرمان که قرار بود در تاریخ نهم و دهم دی‌ماه سال جاری برگزار شود با دو هفته تاخیر در تاریخ ۲۹ و ۳۰ همین ماه برگزار خواهد شد. روز پنجشنبه مورخ سوم

گزارش

سومین نشست شب‌های مفرغ برگزار شد

تجلیل از طنز قلم به دست



صاحب سابقه است از استاد جمال الدین مودب درخواست کرد که در مورد وجهی خوشنویس او صحبت نماید استاد جمال‌الدین مودب نیز در مورد هنر خوشنویسی سخن راند و سپس گفت: «من کمتر از این هستم که در مورد علی اکبر اصفهانی نظر بدهم. علی اکبر اصفهانی شخصیتی دوست‌داشتنی است؛ من درس‌هایی از او یاد گرفتم که شاید هیچ جای دیگر نمی‌توانستم یاد بگیرم. من تنها می‌توانم از همنشینی و هم‌صحبتی با او اظهار رضایت نمایم.»

چرا چهره‌های فرهنگی کرمان گمنامند

در این مراسم مهدی محبی کرمانی در ابتدای جلسه پشت تریبون رفت و ضمن خوشامدگویی به مهمانان جلسه به بیان دغدغه‌ای در میان اهالی فرهنگ و هنر پرداخت و توجه ایشان را به این مسئله جلب کرد که تعداد شخصیت‌های فرهنگی و هنری کرمان طی چند دهه‌ی گذشته تغییر چندانی نکرده‌است. مدیرعامل موسسه فرهنگی و هنری مفرغ گفت: «این مساله یا واقعی است و پایه این دلیل است که ما ایشان را نمی‌شناسیم»

این داستان‌نویس در سخنانش از دکتر باستانی پاریزی، احمدرضا احمدی و هوشنگ مرادی کرمانی به عنوان نمونه‌هایی از این شخصیت‌های فرهنگی نام برد.

بزرگان کرمان خارج از کرمان هم ارج و قرب دارند

همانطور که اشاره شد، سیدمحمود دعایی نیز در این جلسه حضور یافت و به دعوت محبی کرمانی، سخن گفت. مدیر مسئول روزنامه اطلاعات ضمن تقدیر از علی اکبر اصفهانی به عنوان یکی از چهره‌های فرهنگی و هنری کرمان و اظهار خوشحالی از شرکت در مراسم بزرگداشت ایشان، به پنهانی ذکر نام دکتر باستانی پاریزی، احمدرضا احمدی و هوشنگ مرادی کرمانی به نقل خاطره‌ای از هر کدام از این سه تن پرداخت و گفت: «قصه من از بیان این خاطرات این بود که بگویم اهالی هنر و فرهنگ کرمان در خارج از این استان هم بزرگ داشته می‌شوند و قدرشان را می‌دانند»

علی اکبر اصفهانی دوست داشتنی است

در ادامه‌ی برنامه مجتبی احمدی به عنوان مجری جلسه با بیان این نکته که اصفهانی در رشته‌های خوشنویسی و طنز سرایی و ترجمه (از زبان روسی)

خبر

مراسم فراخوان جایزه جهانی باستانی پاریزی در دانشگاه آزاد کرمان برگزار شد

هر کرمانی به جایزه باستانی متعهد است

فوق لیسانس و دکترا ارائه می‌شود» در این مراسم فرزند باستانی پاریزی، حمید باستانی پاریزی سخنرانی کرد و به بیان دغدغه‌های خود پیرامون این جایزه جهانی پرداخت: «این جایزه بسیار ارزشمند است، اما ما یک مقدار دل‌نگران این جایزه هستیم و امیدواریم روش و راهی که صاحب‌فکرها اتخاذ می‌کنند به جایی برسد که این جایزه شان خود را داشته باشد و شان بقیه را هم حفظ کند. برای حفظ کیفیت یک چنین طرحی لازم است تا یک پشتیبانی یکپارچه‌ی مالی وجود داشته‌باشد که کمتر به منابع دولتی و شبه دولتی وابسته باشد.» در ادامه‌ی مراسم سید محمود دعایی پیش از ایراد سخنرانی خود، خطابه به حمید باستانی گفت: «من به عنوان یک کرمانی به نوبه‌ی خودم در اینجا تعهد می‌کنم اگر روزگاری بنا باشد عبای خود را بفروشم و هزینه‌ی آن را تقدیم کنم، دریغ نخواهیم کرد.» همچنین در این مراسم طه هاشمی از سید محمدعلی گل‌باززاده به قرالت دلنوشته‌هایی در باب جایگاه معنوی باستانی پاریزی پرداختند.

رئیس بنیاد دایره‌المعارف اسلامی و مدیر کل حوزه ریاست دانشگاه تهران درباری جایزه‌ی مذکور توضیح داد: «ما این جایزه را در بعد جهانی تعریف کردیم؛ این جایزه در حوزه‌های تاریخ، ادبیات عامه و فرهنگ علمه، به سه دسته آثار مستشرقین، آثار با کد پستی ۷۸۴۱۷۱۹۴۴۵ و تلفاکس ۰۲۳۲۳۲۳۱۲۰ ارسال نمایند.

دی ماه جاری، معاونت فرهنگی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان در جمع شورای مشورتی شعر برگزار شود با دو هفته تاخیر در تاریخ ۲۹ و ۳۰ همین ماه برگزار خواهد شد. روز پنجشنبه مورخ سوم